

منشاء نقش شیر در شیر و خورشید ایران*

راجع به شیر و خورشید ایران و تحولات و تاریخچه آن رسالات و مقالات متعددی تاکنون به فارسی نوشته شده و از کلیه این تحقیقات ۱ آنچه استنباط می شود این است که در تاریخچه شیر و خورشید ایران هنوز نکات تاریک و مجهول بسیار است و جا دارد محققین و اهل تتبع بازم در این زمینه تحقیقات بیشتری نمایند تا روزی از جمع آن تحقیقات تاریخچه تحولات شیر و خورشید و پرچم ایران بطور کامل روشن شود. نگارنده بهمین نظر ضمن مطالعه کتاب نفیس «نخستین دوره استیلای ایرانیان بر مصر» تألیف دانشمند مصر شناس ژ. پوزنر ۲ چون بشکته جالبی مربوط بشیر و خورشید ایران برخورد نمود لازم دید نتیجه استنباطات خود را بصورت مقاله حاضر تنظیم نماید و این مقاله در حقیقت مواد و مصالحی برای تدوین تاریخچه شیر و خورشید ایران خواهد بود تا روزی بسمی و اهتمام دانشمندان تکمیل شود.

کتاب «نخستین دوره استیلای ایرانیان بر مصر» مجموعه ایست از شرح و ترجمه ۱۱۷ متن سنگ نبشته لوح و مهر و کتیبه های توضیحی برای مجسمه ها و ظروف، بخط مصرفدیم (هیرد کلیف) که عموماً مربوط بدوره استیلای پادشاهان هخامنشی بر مصر است و در واقع مجموعه اسنادی معتبر دال بر

این مقاله محققانه درباره عظمت شاهنشاهی ایران قدیم، کم نظیر و درخور کمال اهمیت است و امیدست مورد مطالعه و توجه و تأمل دانشمندان جهان تحقیق و تتبع واقع گردد.

مجله یغما

۱ - تاریخچه شیر و خورشید نوشته مرحوم کسروی تبریزی (سه چاپ).

منشاء نقش شیر و خورشید نگارش آقای مجتبی مینوی در کتاب یادبود دینشاه ایرانی چاپ بمبی ۱۹۴۸ میلادی.

بیرقهای ایران در عهد صفویه نگارش آقای سید محمد علی جمال زاده در همان کتاب.

شیر و خورشید ایران بقلم آقای سعید نفیسی در سالنامه کشور ایران سال دوم ۱۳۲۶ شمسی

درفش کاویان بقلم آقای دکتر ذبیح الله صفا در همان سالنامه.

شیر و خورشید بقلم آقای رمانوفسکی دوبجا در همان سالنامه.

درفش شاهنشاهی ایران باستان بقلم خان صاحب دهانجی بهای فرامجی در باش در مجله ایران

لیک چاپ بمبی شماره ۲ سال نهم و شماره ۴ همان سال ۱۹۳۹ میلادی.

تاریخچه تحول پرچم ایران بقلم آقای حمید نیرنوری در مجله اطلاعات ماهیانه شماره ۲ و ۳

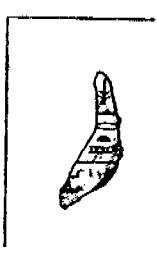
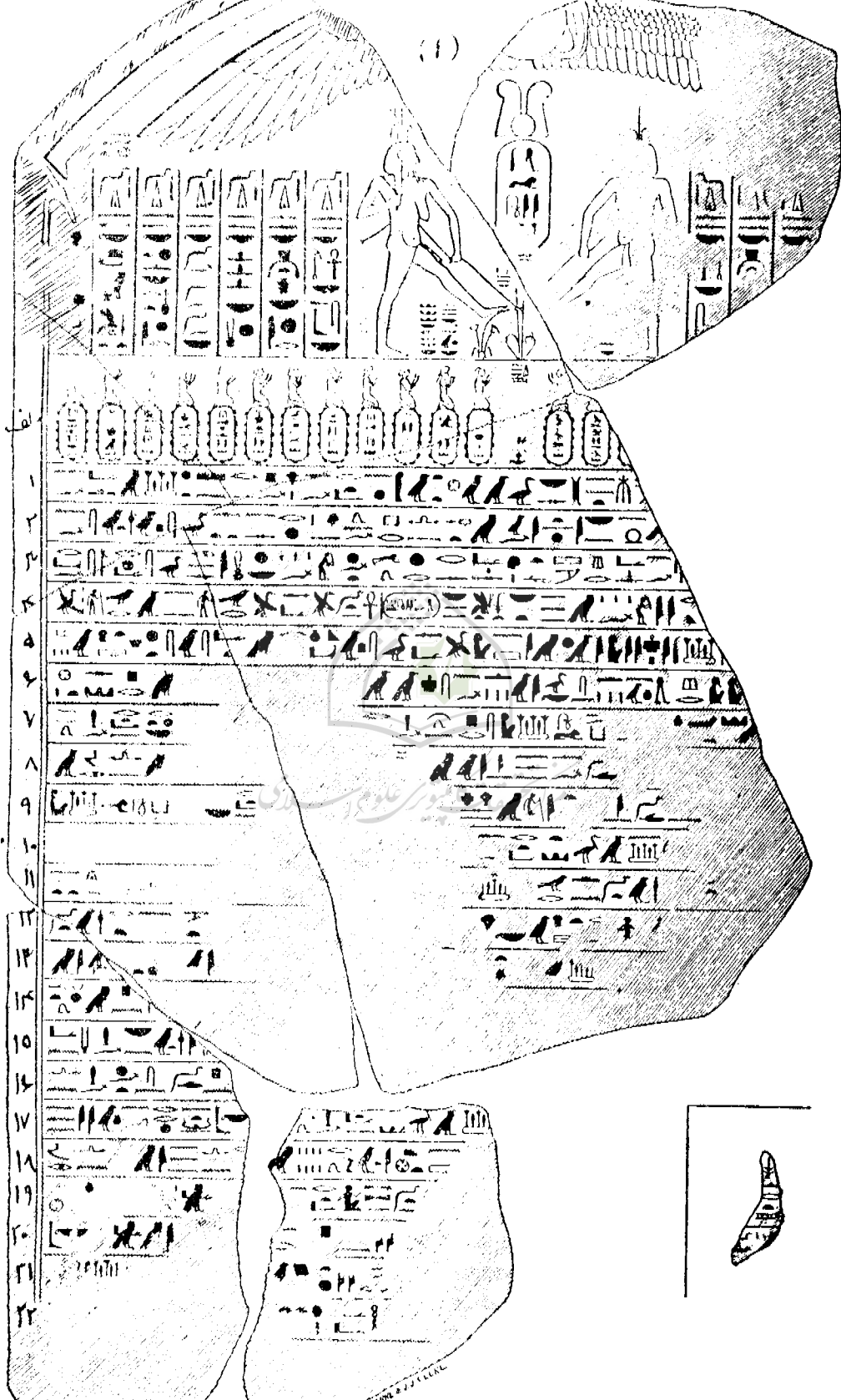
و ۴ سال دوم.

درفش ایران و شیر و خورشید بقلم آقای سعید نفیسی چاپ تهران سال ۱۳۲۸.

۲ - La Première Domination Persé en Egypte, recueil d' inscriptions Hiéroglyphiques, Par G. Posener, le Caire 1936.

این کتاب بوسیله نگارنده برای جشن دوهزار و پانصدساله شاهنشاهی ایران در دست ترجمه است.

(1)



عظمت سلسله هخامنشی میباشد و اهمیت آن بیشتر از این نظر است که با ارائه متونی اصیل بسیاری از اتهاماتی را که مورخان یونانی درخصوص طرز رفتار و معامله پادشاهان ایران با مصریها بایرانیان نسبت دادهاند بکلی رد می کنند .

در کتاب مزبور مؤلف عین رسم الخط مصری متنها را نیز نقل کرده است و همین رسم الخط کتیبه هاست که مبنای تنظیم این مقاله میباشد .

در این متنها در هر کجا از پادشاهان هخامنشی و کشورهای تابع ایران نامی برده شده غالباً نقش شیر نشسته در رسم الخط آنها دیده میشود و نگارنده این نقش رامشاه نقش شیر در شیر و خورشید ایران میدانند و معتقد است از همان آغاز تشکیل سلطنت در ایران و شاید هم پیش از آن، ملل آن روزی جهان شیر نشسته و با بطور اعم شیر را مظهر ایران و ایرانی میدانستند .

قبل از شروع باثبات این نظر لازم است یادآور شویم خط مصریان قدیم که آن راهبرد کلیف و هیردغلیف میگویند خطی است که در عین حال سه مرحله از مراحل تکامل خط یعنی الفبای تصویری، اندیشه نویسی و صوتی^۱ را دارا بوده است و مصریان متون و مطالب خود را با هر سه الفبای مزبور می نوشتند و آنچه در این خصوص و راجع بموضوع مقاله حاضر باید دانست این است که مصریان نامهای خارجی را اعم از نام گسان و یا اسامی جغرافیائی با الفبای صوتی ضبط می نمودند و در پارامی از موارد هم از الفبای تصویری کمک میگرفتند و پس از این تذکار، اینک باصل موضوع مقاله خود می پردازیم :

در یکصد و هفده متن مربوط بدوره استیلای ایرانیان بر مصر که کلیه آنها را پوزنر در کتاب خود جمع نمود نام شش تن از پادشاهان هخامنشی و ۲۴ کشور از متصرفات هخامنشیان ذکر شده است :

الف- نام کشورها : (تصویر شماره ۱- صفحه قبل)

در سه کتیبه مصری قرعه سوئز نام ۲۴ کشور از متصرفات ایران ذکر گردیده که از آن میان اسم سه کشور خوانده نمیشود و از ۲۱ کشور دیگر نام ۱۰ مملکت که ذکر آنها برای موضوع مقاله ما لازم است باین شرح است : (تصویر شماره ۲ صفحه ۴۱۸)

آنچه در رسم الخط این نامها برای ما حائز اهمیت است حرف راء است که در الفبای مصری بصورت تصویری از دهان باز نشان داده میشود چنانکه در اسامی پارت و آشور و بابل و پارس آن را می بینیم . اما در رسم الخط سایر اسامی حرف راء از صورت متداول خود بصورت شیری نشسته تبدیل یافته است و همین نکته است که از آن استنباط می شود نقش شیر از مختصات ایران و آریائی ها بوده و مصریها هم در ضبط نامهای ایرانی از همان شکل استفاده نموده اند زیرا هیچ دلیل و سبب دیگری برای این تبدیل نمیتوان قائل شد خواهی که مشاهده می کنیم در ضبط اسامی غیر ایرانی بهیچوجه نقش شیر بجای حرف راء و یا بجای حروف دیگر نگار نرفته است چنانکه در مثالهای زیر دیده میشود :

(تصویر شماره ۳)

در این جا این سؤال پیش می آید که چه وجه تمایزی بین حرف راء و سایر حروف الفباء

۱ - Figurarif, Idéographique, Phonétique.

تصویر شماره (۱) - کتیبه کانال سوئز در تل المستحوته .
درین کتیبه نام کورش (سطر ۷ و ۸) و داریوش (سطر ۴ و ۵)
بالای کتیبه) و نام متصرفات ایران (سطر الف) دیده می شود .

۱- هَرِیَو (هرات)

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥

بوده است که مصریان
شاخص در وجه ممیزه ایرانیان
را با آن منطبق کرده اند ؟
دقت در رسم الخط ده
کشور ایرانی که در فوق
بدانها اشاره شد نشان میدهد
که در مورد پنج کشور
(شماره های ۱-۵) اختلاف
در نحوه ضبط و نوشتن
حروف نیست و در کلیه آنها
حرف راء بصورت نقش شیر
ضبط شده ولی پنج کشور
دیگر را (شماره های ۶-۱۰)
بصور مختلف و حرف راء
را در آنها گاه باشکل اصلی
و گاه با نقش شیر نوشته اند.
دسته اول که عموماً

۶- پَرِتو (پارت)

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥

بیک صورت و با نقش شیر
ضبط شده اند کشور های
اصلی آریائی ها هستند که
آریائیها هنگام مهاجرت
خود نخستین بار در این
نواحی تمرکز یافته اند و
نام این پنج کشور جزو
شانزده مملکت اوستائی نیز
موجود است و وجه اشتراك
اسامی در این نواحی تنها
حرف راء با صدای مفتوح و
کشیده می باشد که تصادفاً
در کلمه آری و آریا و ایران
و ایران هم موجود است
و مصریان حسن ذوقی نشان
داده و از همین وجه اشتراك
برای نشان دادن مختصات

۲- هَر خَوَاتی (رُجج)

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥

۳- زَرَنگ (سیستان)

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥

۴- نَوَارِزَم (نولزم)

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥

۵- باختری (بختری)

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥

۶- پَرِتو (پارت)

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥

۷- اَکْثُورَا (آئور)

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥

مركز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی
۷- اَکْثُورَا (آئور)

۸- بَیروس (بابل)

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥

۹- اَرْمِینَا (رریستان)

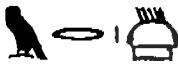
𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥



ایرانی بودن آنها استفاده کرده‌اند.

دسته دوم کشور هائی هستند که در شمار کشور ۱۰- پرسی (پارس) های اصلی آریائیان بوده‌اند و بعد ها بتدریج بتصرف آریائیان و پادشاهان هخامنشی در آمده‌اند و

بهین سبب هم در ضبط آنها راء غالباً بصورت اصلی باقی مانده و اگر هم در پارامی موارد تبدیل بنقش شیر شده باز بسبب بستگی آنها با آریائیان و ایرانیان بوده است .



نهر تروجا (تورا)



نهر آخت‌را




معبده زن بزرگ تحقیقات کاپیتور علوم

(تصویر شماره ۳)


دلیل دیگر براینکه نقش شیر بر سبب در اسامی ایرانی بکار گرفته این است که مصریان در ضبط اسامی خارجی ها ، در عین حال که آنها را با الفبای سونی خود می‌نوشتند از الفبای تصویر هم استفاده می‌کردند چنانکه در همان کتیبه نرعه سوئز نام سکاهاى ساکن منطقه باطلاقی (سواحل سیر دریا

- ۱- شانزده مملکت اوستائی باین شرح است : ۱- ایران و اج (مملکت آریائیانها)
 - ۲- سوغده (سغد) . ۳- مورو (مرو) ۴- باختری (باختر)
 - ۵- آیشابه (حدود سرخس و یانیشاور) ۶- هرای و (هرات) ۷- وای کورت (کابل)
 - ۸- اورو (طوس یا غزنه) ۹- و هرکان (کرکان) ۱۰- هر هوواتی (رخج در جنوب افغانستان)
 - ۱۱- ای تومنست (وادی هیرمند) ۱۲- رک (ری)
 - ۱۳- شغز یا اچخر (شاهرود) ۱۴- ورن (صفحه البرز یا خوار) ۱۵- هیت هینده (پنجاب هند)
 - ۱۶- ولایاتی که در کنار رودخانه رنگاست (معلوم نیست کجاست)
- (س ۱۶۶- س ۱۵۷ ایران باستان جلد ۱).

و آمو دریا) با تصویر قورباغه ضبط شده و شکل قورباغه معرف نواحی باطلاقی است و در ضبط نام نواحی باطلاقی ساحل دریای مدیترانه و کشورهای مردابی آسیا نیز همین شکل و نقشی از نیزار بکار رفته است:

۱-  کپاک در منطقه مردابی هستند.

۲-  کثیر از باطلاقی آسیا

۳-  باطلاقی ساحل دریای مدیترانه

بنابراین همانطور که نقش قورباغه و علامت نیزار را شاخص نواحی باطلاقی بوده بایستی انتخاب نقش شیر را هم برای اسامی ایران و ایرانی بی دلیل ندانست و آن را ممیز و شاخص آریائی هاشناخت.

ب- نام پادشاهان

در ۱۰۶ متن از ۱۱۷ متن مصری دوره استیلای ایرانیان نام شش تن از پادشاهان هخامنشی ضبط شده است. از مطالعه در رسم الخط این نامها هم بطور کلی همان نتیجه که از ممالك جمعی ایران بدست آمد حاصل میشود. (تصویر شماره ۵ در صفحه بعد)

بطوریکه می بینیم در رسم الخط نام گوروش و خشیارشاه و اردشیر سوم همه جا نقش شیر نشسته بجای حرف راء وجود دارد و هم در اسامی داریوش و اردشیر اول ملاحظه می کنیم که در چند مورد حرف راء بوضع لفظی خود نوشته شده و در نام کبوجیه هم چون اصولاً تلفظ راء وجود ندارد بالطبع انتظاری نباید داشت آن علامت وجود داشته باشد. بنابر این در مورد نامهای گوروش و خشیارشا و کبوجیه و اردشیر سوم بحثی نیست و تنها در مورد دو نام داریوش و اردشیر اول است که باید دید چرا حرف راء را بدو صورت ضبط کرده اند.

۱- داریوش (۵۲۲ - ۴۸۶ ق م)

متون مربوط بداریوش را بنا بر تاریخ تهیه شدن آنها بایستی به سه دوره تقسیم نمود:

دوره اول از ابتدای سلطنت داریوش تا بازگشت وی از مصر (۵۲۲ - ۵۱۷ ق م).

دوره دوم از ۵۱۷ تا ۴۹۲ ق م و دوره سوم از ۴۹۲ تا پایان سلطنت او (سال ۴۸۶ ق م)

در متون مربوط بدوره اول و دوم همه جا در رسم الخط نام داریوش نقش شیر دیده میشود ولی در متون دوره دوم (۵۱۷ - ۴۹۲ ق م) که کلیه نه متن است اثری از نقش شیر نیست.

لا حول ولا قوة الا بالله

گورش (در دو موضع)

لا حول ولا قوة الا بالله | لا حول ولا قوة الا بالله | لا حول ولا قوة الا بالله

کبوجیه (در هشت)

لا حول ولا قوة الا بالله | لا حول ولا قوة الا بالله | لا حول ولا قوة الا بالله

لا حول ولا قوة الا بالله | لا حول ولا قوة الا بالله | لا حول ولا قوة الا بالله

داریوش
(در ۴۵ موضع)

لا حول ولا قوة الا بالله

لا حول ولا قوة الا بالله

لا حول ولا قوة الا بالله

لا حول ولا قوة الا بالله

لا حول ولا قوة الا بالله

لا حول ولا قوة الا بالله

لا حول ولا قوة الا بالله

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

لا حول ولا قوة الا بالله

لا حول ولا قوة الا بالله

خشیار شاه
(در ۴۳ موضع)

لا حول ولا قوة الا بالله

لا حول ولا قوة الا بالله

لا حول ولا قوة الا بالله

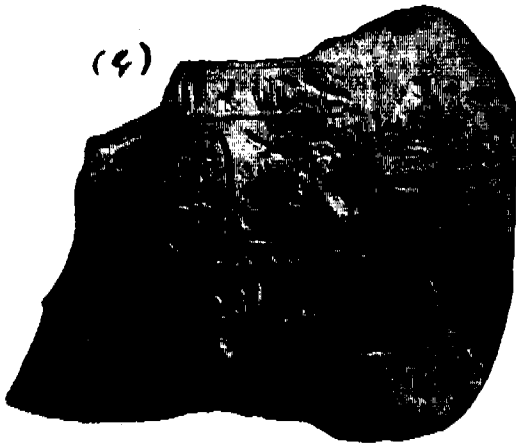
لا حول ولا قوة الا بالله

اردشیر اول
(در ۷۷ موضع)

لا حول ولا قوة الا بالله

لا حول ولا قوة الا بالله

اردشیر سوم



تصویر شماره ۶- قطعه‌ای از يك کتیبه‌ای که در آن نام
خشیارشا با نقش شیر دیده میشود

(تصویر شماره ۷ (صفحه بعد)

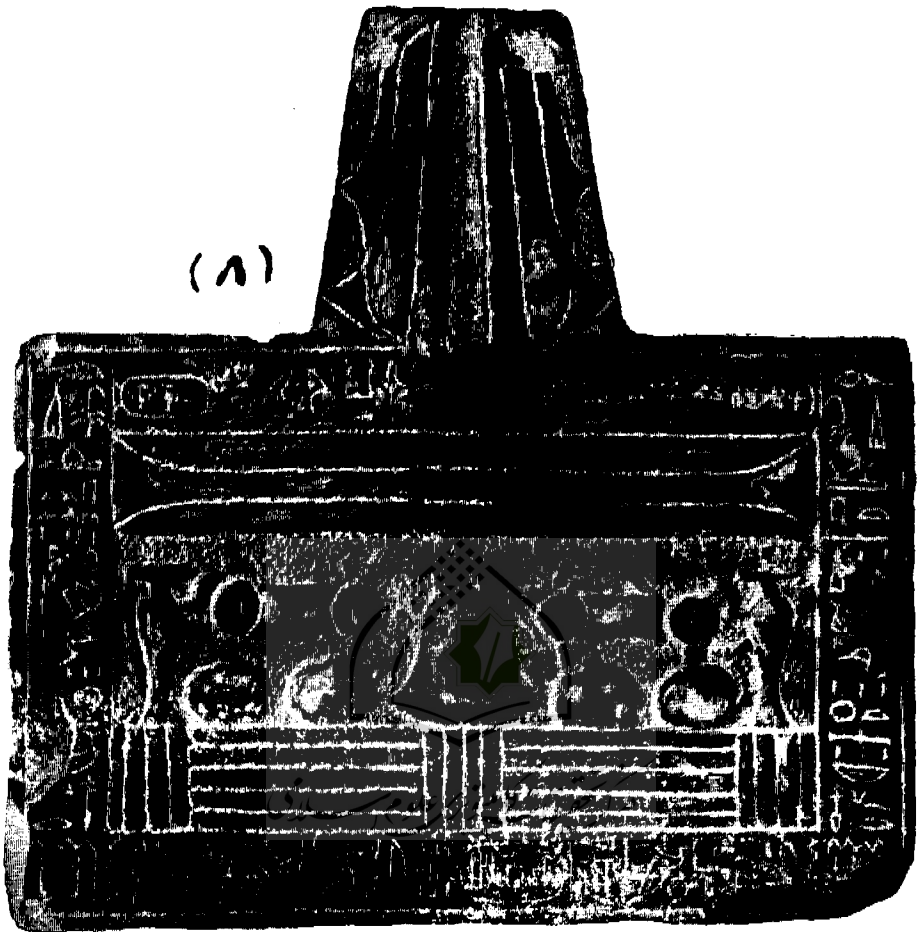
سنگ قبر ساو آریس که در سال چهارم سلطنت داریوش اول
(۵۱۸ ق م) مرده است . در این لوح نام داریوش محاط
در خط بیضی و نقش شیر دیده می شود)

در این دوره قدیمترین متن تاریخ بیست و ششمین سال سلطنت داریوش (۴۹۶ ق م) و آخرین آنها
بسال سیام سلطنت داریوش (۴۹۲ ق م) می باشد و این دوره درست مقارن با ایام شورشهای مستعمرات
یونانی ایران و اغتشاشات در کاربه و قبرس بوده که زمینه آن از سال ۵۱۰ ق م بمثل مسائل داخلی و
ملی فراهم شده بود .^۱

در این اغتشاشات و سرکشیا یونانی ها سپاه به سارد کشیدند و آن شهر را آتش زدند و کار این
شورشها بسرپرستی هیسپیه رفته رفته بالا گرفت و آتش جنگ و غارت و کشتار و خونریزی درسراسر
قلمرو آسیای صغیر و سواحل یونان و جزایر دریای اژه توسعه یافت تا اینکه بالاخره برائزاردو کشی های
متوالی سرداران داریوش و بقول هرودت پس از شش سال شورشهای مزبور خاموش شد و بلد که در کتاب
« تئیمات تاریخی راجع با ایران قدیم » (صفحه ۵۹) می نویسد این شورشها بین سالهای ۵۰۰ و ۴۹۹
قبل از میلاد روی داده است .^۲

۱ - رجوع شود به تاریخ ایران باستان چهل و یکم ص ۶۳۶ ببعد . ۲ - همان کتاب





تصویر شماره ۸ - لوحه‌ای که در آن نام داریوش بدون نقش شیر ضبط شده

تاریخ کتیبه‌هایی که نقش شیر ندارند و در فوق بدانها اشاره شد درست مقارن با همین سالهاست و معلوم میشود مصریها چون ضعف شاهنشاهی هخامنشی را احساس کرده اند نقش شیر را از نام داریوش حذف نموده‌اند.

اما تراکیه و مقدونیه در سال ۴۹۲ مجدداً بشرف قوای داریوش درآمد و با آنکه داریوش در جنگ ماراتن که در ۴۹۰ قم روی داد توفیقی نصیبش نشد معینا چون بفکر تهیه تدارکات کافی برای جنگ با شورشیها و سرکوبی مستعمرات خود افتاده و از ۴۹۰ تا ۴۸۷ قم مدت چهار سال جنبش عظیمی برای این امر در ممالک آسیائی بوجود آورد مجدداً قدرت و عظمت خود را تثبیت نمود، این است که می‌بینیم در این زمان باردیگر نقش شیر در کتیبه‌های مصری ظاهر میشود^۱ اما طولی نمی‌کشد

۱ - يك حجاری و کتیبه دروادی حمامات بتاریخ ۴۸۶ قم و دو ظرف سنگی بتاریخ‌های ۴۸۹ و ۴۸۸ که اولی در سوریه و دومی در حفريات شوش بدست آمده است.

که در داخل مصر شورش پدید می‌آید (۴۸۶ ق م) و شخصی بنام فسمتیخ چهارم به سلطنت میرسد و او بر ضد فرمانروائی داریوش و ایرانیان قیام می‌کند.

در این کبر و داروش در گذشت (سال ۴۸۶ ق م) و خشیارشا بجای او به سلطنت نشست (۴۸۶-۴۶۶ ق م) و شورش مصر تا سال ۴۷۴ ق م که خشیارشا بمصر لشکر کشید و آنجا را آرام ساخت ادامه داشت و در طی این دو سه سال هیچ کتیبه و متنی تهیه نشده است که نامی از پادشاه ایران در آن باشد و همین موضوع خود دلیل دیگر است که بروز شورشها و وقوع انقلابات در مستعمرات هخامنشیان در نتیجه تهیه متون کتیبه‌ها بر اثر نبوده است چنانکه چون خشیارشا مجدداً مصر را متصرف شد و برادر خود هخامنش را بوالیگری در آنجا برگماشت بالغ بر ۴۳ کتیبه و متن مختلف فراهم شد که غالب آنها مربوط به همان سالهای اولیه فتح مصر و عموماً دارای نقش شیر میباشد و حتی در دو کتیبه هم بتاریخ سال ۱۲ و ۱۳ سلطنت خشیارشا (۵۷۴ و ۵۷۳ ق م) نام داریوش با نقش شیر ضبط شده است.^۱

۴- اردشیر اول (۴۶۶-۴۲۴ ق م)

از هشت متنی که از دوره اردشیر اول باقیست در هفت متن نام اردشیر وجود دارد و از آن میان تنها در یک متن نقش شیر در اسم اردشیر نیست و تاریخ این متن سال هیفدهم سلطنت اردشیر میباشد (۴۴۹-۴۵۰ ق م) و از متون مزبور هم فقط سه کتیبه ۲ تاریخ دارد:

اردشیر در سال ۴۶۶ ق م بعد از مرگ خشیارشا تخت سلطنت نشست و در سالهای اول سلطنتش گرفتار کشمکش با یونانیها بود و مصرها در این سنوات اگرچه در باطن از سلطه و حکمرانی ایرانیان ناراضی می‌بودند ولی در ظاهر آرامش در مصر برقرار بود و وضع کتیبه‌ای که بسال ۴۶۱ ق م در وادی حمامات حجاری شده بخوبی قدرت هخامنشیان را در مصر ثابت می‌کند.

در این کتیبه نام اردشیر با نقش شیر ضبط شده و در بالای اسم او تصویر تاجی دیده میشود و علاوه بر این، کارگر ایرانی هم که اسم او از باورنا بوده نام خود را با نقش شیر ضبط کرده است و ظرافت موضوع بیشتر در این است که از باورنا نقش شیر را بجای نخستین حرف راه در اسم خود قرار داده و با این عمل خواسته است نام آریا را که جزء اول اسم او بود مجسم و عظمت آریائیها را ثابت نماید.

(تصویر ۹ - صفحه بعد)

مقارن همین احوال مصرها بر رهبری ایناروس نامی که پسر بسامتیک بود سرشورش برداشتند و این شورشها تا سال ۴۵۴ ادامه داشت و بالاخره بر اثر مساعی بغاوخش سردار اردشیر که والی مصر بود خاموش شد.^۳

از سال ۴۶۱ تا سال ۴۵۰ ق م مقارن با شورشهای مصر است کتیبه و متنی مربوط بایران تهیه نشده است ولی در سال ۴۵۰ (سال شانزدهم سلطنت اردشیر) که آتش شورشها خاموش شده بود کتیبه‌ای دیگر در وادی حمامات توسط همان آریاورنا تهیه شده و در این کتیبه نقش شیر و در بالای نام اردشیر تصویر تاجی وجود دارد.

در این سال (۴۵۰ ق م) یونانیها با زور بشورش برداشتند و شهر سالامین و جزیره قبرس را محاصره کردند. هر چند بغاوخش سخت مقاومت و پایداری کرد اما بالاخره مجبور شد پیشنهاد صلح ب یونانیها را بپذیرد.

۱- حجاریهای وادی حمامات. ۲- حجاریهای وادی حمامات: کتیبه‌های سال پنجم و سال شانزدهم سلطنت اردشیر (۴۶۱ و ۴۵۰ ق م) با نقش شیر و کتیبه سال شانزدهم و هفدهم سلطنت اردشیر (۴۴۹-۴۵۰) بدون نقش شیر. ۳- ایران باستان جلد دوم ص ۹۳۰.

تصویر (۹) آریا ورتا



تصویر (۱۰) - کلمه "پارس" با نقش شیر

تصویر (۱۱) از نام های غیر ایرانی :

در هوتیپ (دور رس دم)



ساتن فروم



نفرینو

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



کنفر

تصور (۱۲) از نام های ایرانی :



آرتیمیس (رته)



جوزر



آریا ورتا

بپذیرد^۱ و همین موضوع که دال بر ضعف قوای ایران می بود در مصر بی اثر نبود بقسمی که می بینیم در کتیبه ای که بهمین تاریخ و بدست همان آریاورتا تهیه شده نقش شیر نیست ولی آریاورتا باز در تهیه و تنظیم این کتیبه حسن مهن پرستی و ایران دوستی خود را باز بر کی و نظرافت طبعی مخصوص ظاهر ساخته است باین معنی که کلمه پارس را بانقش شیر ضبط نموده و این تنها موردی است که در کتیبه های مصری کلمه پارس باشیر ضبط شده است .

(تصویر ۱۰ - صفحه بعد)

کتیبه دیگری که ظاهراً بعد از این کتیبه تهیه شده کتیبه ایست که باز در وادی حمامات و بوسیله آریاورتا فراهم گردیده ولی در این کتیبه اسمی از اردشیر نیست و نامهای آریاورتا و پارس هم بدون نقش شیرند و این وضع می رساند که تاریخ تنظیم و تهیه این کتیبه فاعده^۲ بابستی بعد از کتیبه سال ۴۴۹ و یا مقارن با آن باشد .

پس باید گفت بکار بردن نقش شیر در اسامی پادشاهان هخامنشی برای نشان دادن مختصات آریائی و عظمت آنها بوده و حال آنکه در ضبط اسامی اشخاص دیگر حرف راء همه وقت بصورت اصلی خود نوشته میشده و اینک چند نمونه از نامهای اشخاص ایرانی و غیر ایرانی که در تلفظ آنها عموماً حرف راء موجود ولی در کلیه آنها راء بصورت اصلاح خود ضبط شده است نقل می کنیم :

(تصویر ۱۱ و ۱۲)

بنابر این از آنچه در فوق گفته شد چنین استنباط می کنیم که نقش شیر رشته از آغاز تشکیل در ایران و شاید هم از سالها پیش از آن نماینده و شاخص ایران و ایرانی بود و ملل آروزی جهان آن را می شناخته اند و بالتبینه اگر منشاء نقش شیر را در شیر و خورشید ایران از همین زمان بدانیم ظاهراً دور نرفته ایم خاصه که شواهدی هم مبنی بر اهمیت شیر در دوره هخامنشیان موجود است مثل حجاری نقش شیر ، موجود در موزه برلین و مجسمه شیر نشسته با حلقه ای شبیه به خورشید که بر پشت اوست در موزه لوور پاریس و نقش مهر داریوش که شیری را شکار می کند و حجاری تخت جمشید که داریوش خنجر می بشکند شیر فرو برده و بسیاری دیگر نظیر آنها که میتوان بعنوان شاهد ذکر کرد .

پایان

۱ - ایران باستان جلد دوم ص ۹۳۶ صلح سیمون .



آقای دکتر مهدی محقق دانشیار دانشکده ادبیات که از جوانان دانشمند و مستعد کشورست از طرف دولت انگلستان دعوت شد که در دانشکده علوم شرقیه لندن بشدرس زبان و ادبیات فارسی بپردازد . حسن تشخیص اولیای دانشگاه لندن را در انتخاب رجال ادب در خور تمجید می دانیم .